

چهارمین کنگره آسیائی ترکیه

چهارمین کنگره آسیائی ترکیه از تاریخ ۶ لغایت ۸ خردادماه ۱۳۸۸ در شهر استانبول برگزار شد. در این کنگره که با موضوع محوری "سازمان‌های منطقه‌ای، نهادینه شدن و همکاری" برگزار گردید علاوه بر مقامات ترکیه مسؤولان سازمان‌های مطرح منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، دبیرکل سازمان همکاری شانگهای، دبیرکل D8، دبیرکل سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه، دبیرکل سیکا، مدیر مرکز مطالعات استراتژیک آسیا و اقیانوسیه مالزی، معاون دبیرکل اکو، هیأتی از بانک توسعه آسیائی و بانک توسعه اسلامی، هیأتی از جامعه اقتصادی اورآسیا و چند تن از اساتید دانشگاه‌های ترکیه مشارکت داشتند.

در این اجلاس آقای دکتر آهنی معاون آموزش و پژوهش وزارت خارجه طی دو سخنرانی دیدگاه جمهوری اسلامی ایران درخصوص موضوع اجلاس با تأکید بر ضرورت همگرایی آسیائی، پیشنهاد تشکیل اتحادیه آسیائی به منظور بهره برداری بهینه از سرمایه‌های عظیم انسانی، سیاسی، اقتصادی و امتیاز ژئوپلیتیک کشورهای قاره آسیا را مطرح کردند.

سیاسی و بین‌المللی خود گام برمی‌دارد و این قابلیت را دارد تا در آینده حرکت خود را جهت نیل به همگرایی بیشتر کشورهای آسیائی به ویژه در عرصه اقتصادی شتاب بخشد. تحقق چنین هدفی در گرو بهره‌برداری از تمامی ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و توانمندی‌های سازمان‌های منطقه‌ای موجود می‌باشد تا با ساماندهی ابتکارات مشترک بین سازمانی، راه‌های توسعه همه جانبه و مشارکت‌جویانه در سطح قاره‌ای را شناسائی نموده و ساز و کارهای لازم برای رویارویی با چالش‌های جاری در این قاره پیش بینی و آماده شود.

ابتدا دکتر آهنی در سخنانی اظہار داشتند: کشورهای آسیائی با توجه به ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فرهنگی، منابع عظیم اقتصادی به ویژه در زمینه انرژی و جایگاه سیاسی ارزشمند خود از موقعیت شاخصی در اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی برخوردار می‌باشند. بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها و امکانات می‌تواند پرتو روشنی بر مسیر آینده همکاری‌های آسیائی افکنده و زمینه نقش‌آفرینی‌های بیشتر و مؤثرتر قاره کهن را در نظام بین‌الملل فراهم سازد.

شاخصه‌های آماری موجود بیانگر آن است که آسیا بتدریج به سمت تحکیم و تقویت جایگاه اقتصادی،

قاره آسیا از وجود سازمان‌های اقتصادی و سیاسی مهم منطقه‌ای نظیر مجمع ملل آسیای جنوب شرق (آسه آن)، سازمان همکاری شانگهای، سازمان همکاری اقتصادی (اگو) بهره می‌برد که هر کدام براساس بخشی از اهداف استراتژیک منطقه‌ای در آسیا شکل گرفته است. برای نیل به اهداف کلان و قاره‌ای لازم است تا سازمان‌های منطقه‌ای موجود با افزایش قابلیت‌ها، خود را برای همکاری بین‌سازمانی و همگرایی و پذیرش مسؤلیت‌های بزرگتر آماده نمایند. استمرار نشست‌های مشترک سازمان‌های منطقه‌ای آسیا یکی از راهکارهای مفید برای تمهید مقدمات هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و نیل به هم‌پیوندی و همگرایی قاره‌ای خواهد بود.

قاره آسیا به‌رغم ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که مورد اشاره قرار گرفت، فاقد یک ساختار کلی چندجانبه برای یکپارچه‌سازی تلاش‌های موجود در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد. نهادی که بتواند با ساختاری هدفمند و منسجم به ترسیم استراتژی‌های کلان در ابعاد مختلف و در راستای تأمین سعادت و رفاه جامعه آسیایی اهتمام ورزد. خوشبختانه کشورهای آسیایی در سال‌های اخیر با تشکیل مجمع پارلمانی آسیایی در صدد پاسخگویی به بخشی از این نیاز برآمده‌اند.

بدون تردید زمینه‌سازی برای شکل دادن و ایجاد "اتحادیه آسیایی" گامی ضروری و حیاتی برای استفاده بهینه از همه ظرفیت‌های این قاره کهن تلقی می‌شود. اتحادیه آسیایی می‌بایستی با توجه به ضرورت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بتواند راهبردها و راهکارهای لازم را برای پاسخگویی به چالش‌های موجود ارائه نماید. بدیهی است بررسی و استفاده از تجربه موفق سازمان‌ها و نهادهای فراملی دیگر مناطق جهان می‌تواند در این راستا کمک کننده باشد.

در عرصه اقتصادی و تجاری و صنعتی، قدرت‌های نوظهور آسیایی با تجربه الگوی آسیایی خود گام‌های بلند و شتابانی را به سوی ارتقای جایگاه این قاره برداشته‌اند. در نتیجه آسیا افزون‌بر برخورداری از بزرگترین ذخایر انرژی، بالاترین نرخ رشد سرمایه‌گذاری، خدمات و تولید و بخش مهمی از تولید ناخالص و تجارت جهانی را نیز به خود اختصاص داده است. از این رو، ورود آسیا به کانون ژئواکونومی و ژئوپلیتیک جهانی سبب خواهد شد تا آسیایی‌ها متناسب با موقعیت جدید خود، سهم شایسته‌ای در شکل‌دهی به تحولات و معادلات بین‌المللی بر عهده گیرند.

برای نیل به همگرایی آسیایی، لازم است ابتدا به بازشناسی وجوه اشتراک و پیوندهای دیرین و بازانديشي مؤلفه‌های هویت آسیایی اهتمام ویژه‌ای داشته باشیم. کشورهای آسیایی در دوران معاصر تمایل به غرب داشته و یکدیگر را در آئینه غرب نگرسته‌اند که این امر به فقدان تعامل سازنده و بیگانگی نسبی آسیایی‌ها با یکدیگر انجامید. اما اینک شاهد رشد تدریجی خودآگاهی آسیایی و بازتعریف هویت آسیایی هستیم. البته بازیابی هویت آسیایی مستلزم آسیب‌شناسی وضع موجود و غلبه بر عوامل واگرایی‌ها، رقابت‌ها، تنش‌ها و چالش‌های پیش روی کشورهای آسیایی که بعضاً ریشه در منافع قدرت‌های فراقاره‌ای داشته، می‌باشد تا بتوان با الهام‌پذیری از قرابت‌ها و اشتراکات موجود، همبستگی آسیایی و سرانجام "اتحادیه آسیایی" را در قرن بیست و یکم بستر سازی کرد.

نظریه پردازی، گفتمان‌سازی و ایجاد ادبیات لازم، بهره‌مندی از امکانات و ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای و مؤسسات مطالعاتی و تحقیقاتی و مراکز علمی، فرهنگی و دانشگاهی کشورهای آسیایی به موازات

استمرار رایزنی‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای، می‌تواند همگرایی آسیایی را به سرمایه و امتیاز ژئوپلیتیک کشورهای این قاره تبدیل نموده و فضای مساعدی برای شکل دهی به "اتحادیه آسیایی" پدید آورد.

جمهوری اسلامی ایران با موقعیت ژئواستراتژیک و جایگاه سیاسی، فرهنگی و تاریخی حائز اهمیت خود، همواره یکی از قدرت‌های مهم آسیایی بوده است. ایران همچنین به عنوان یکی از پیشگامان توسعه و تعمیق همکاری میان کشورهای آسیایی، با حضور مؤثر خود در نهادهای منطقه‌ای آسیا، منطقه‌گرایی، همکاری بین قاره‌ای و همگرایی کشورهای قاره کهن را به یکی از اولویت‌ها و محورهای راهبردی سیاست خارجی خود تبدیل نموده است. به همین جهت، جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیوندهای تاریخی خود با آسیا، همواره از همکاری کشورهای آسیایی جانبداری نموده و همگرایی آسیایی را پیش درآمد تحقق ایده "اتحادیه آسیایی" تلقی می‌نماید.

در این اجلاس همچنین دبیران کل تعدادی زیادی از سازمان‌های منطقه‌ای سخنرانی کردند که نکات مهم اظهارات برخی از آنها به قرار زیر است:

دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی در سخنانی اظهار داشت: نگاه جدید سازمان کنفرانس اسلامی مبتنی با استراتژی چند وجهی تحکیم انسجام میان اعضا در کنار تعمیق همکاری‌های چندجانبه با دنیای خارج در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی است.

برنامه عمل ده ساله سازمان (TYPOA)^۱ مصوب اجلاس فوق العاده سران منعقد در مکه مکرمه در دسامبر سال ۲۰۰۵ میلادی، دربرگیرنده برنامه اصلاحات می‌باشد

که همخوان و تکمیل کننده اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد^۲ می‌باشد. برنامه عمل ده ساله سازمان کنفرانس اسلامی همچنین هدف تقویت نقش سازمان به عنوان یک شریک در سطح جهانی برای تعامل با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با نگاه روابط ساختاری و همکاری را هدف قرار داده است.

در آسیا، اعضای سازمان کنفرانس اسلامی و غیر اعضا، از انواع مختلف ناآرامی، بی‌ثباتی اجتماعی و مناقشه‌های سیاسی رنج می‌برند. در میان آنها مشکلات افغانستان همواره در دستور کار سازمان کنفرانس اسلامی قرار داشته است. در این رابطه، سازمان همواره از مبارزه دولت و ملت افغانستان در حفظ حاکمیت، استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی افغانستان و در تلاش آنها برای بازسازی و ترمیم کشور جنگ‌زده خود، حمایت کرده است. سازمان کنفرانس اسلامی فعالانه در کنفرانس ویژه افغانستان از سوی دولت روسیه که در مسکو و تحت نظر سازمان همکاری شانگهای برگزار گردید، شرکت نمود. اکنون سازمان به تلاش‌های خود برای هماهنگی با دولت افغان برای برگزاری یک نشست مهم برای اعاده امنیت و ثبات به افغانستان در نیمه اول سال ۲۰۰۹ ادامه می‌دهد.

به علاوه، سازمان کنفرانس اسلامی حامی فعال امضای معاهده منطقه‌عاری از تسلیحات هسته‌ای در آسیای مرکزی بوده است. این معاهده در سال ۲۰۰۶ توسط وزرای امور خارجه کشورهای آسیای مرکزی شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان به امضا رسید که همگی عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) هستند. سازمان از همه کشورهای آسیای

1. The OIC Ten Year Program of Action

2. The Millennium Development Goals (MDGs)

مرکزی درجهت تحکیم صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز رژیم جهانی عدم اشاعه یاد کرد.

حقایقی از آسیا به اطلاع من رسانده شده که اعتقاد مرا مبنی بر اینکه آسیا به آرامی به سمت هدف پیشرفت می‌کند را راسخ می‌کند. مشاهده شده است که در دهه ۱۹۵۰ سهم آسیا در بخش کالا و خدمات جهانی ۱۶ درصد بوده است که در سال ۱۹۹۸ و پس از تصویب سیاست‌های مبتنی بر بازار و ائتلاف اقتصادی با اقتصاد جهانی، این رقم به ۳۴ درصد رسیده است. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، سهم اقتصادهای بزرگ آسیا به ۴۴ درصد اقتصاد جهانی خواهد رسید که از جمع سهم اروپا و آمریکا بیشتر خواهد بود.

در میان عامه گفته می‌شود که ثبات جهانی از ثبات منطقه‌ای نشأت می‌گیرد. با توجه به رشد معضلات پیچیده جهانی، تحکیم نقش سازمان‌های منطقه‌ای و تقویت همکاری میان آنان حیاتی شده است. همکاری میان سازمان‌های منطقه‌ای می‌بایستی بر اساس اقدامات مکمل و هم‌پیوندی شکل گیرد. بدین منظور، یک شبکه برخوردار از سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی چندجانبه برای ارائه پاسخ‌ها و رویکردهای جمعی به چالش‌های امنیتی و صلح مورد نیاز است. هدف می‌بایستی استقرار همکاری و مشارکت میان سازمان‌های بین‌المللی باشد که موظف به پاسخ مؤثر به مناقشات می‌باشند.

مدیر اجرایی سیکا

سپس آقای دولت باکیشف، مدیر اجرایی کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا^۱ (سیکا) طی سخنانی اظهار داشت: سیکا یک مجمع چند جانبه برای تقویت همکاری به سمت صلح، امنیت و ثبات در آسیا از طریق

1. Conference on Interaction and Confidence Building Measures in Asia

گفتگو، تعامل و اقدامات اعتمادساز میان کشورهای عضو می‌باشد. این سازمان در پی ابتکار اکتبر سال ۱۹۹۲ جناب آقای نورسلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان، تشکیل گردید. این رخداد به هنگامی انجام شد که تغییرات عمیقی در دنیا در پی محو "دنیای دوقطبی" در شرف وقوع بود. دلیل این ابتکار شروع مجدد تلاش‌های بی‌نتیجه گذشته برای ایجاد یک سازمان بین‌المللی کارا برای حفاظت از امنیت در آسیا و حرکت به سمت یک ساختار واحد آسیائی برای امنیت جمعی بود. تشکیل سیکا و حمایتی که جامعه بین‌المللی به عمل آوردند نشانگر آن بود که ارتباط نزدیکی میان صلح، امنیت و ثبات در آسیا با بقیه دنیا وجود دارد.

باید توجه داشته باشیم که در حالی که آسیا به لحاظ جغرافیائی یک واحد به شمار می‌رود ولی به لحاظ سیاسی هویت واحدی ندارد. آسیا به لحاظ قومی و فرهنگی متنوع‌ترین قاره به شمار می‌آید و کوچکترین و بزرگترین کشورها با سطح توسعه بسیار گوناگون و اولویت مختلف را دارا می‌باشد. اختلافات قومی- فرهنگی، مذهبی و تاریخی وجود دارد که می‌بایستی حل و فصل گردد. به دلایل تاریخی و دلایل دیگر، آسیا همچنان دارای مناطق تنش‌زای بسیار می‌باشد. آسیا همچنین از چالش‌های غیرسنستی امنیتی نظیر تروریسم، جنایات فرامرزی، تولید و قاچاق مواد مخدر و سلاح‌های کوچک رنج می‌برد. در حالی که سازوکارهای مختلف منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای در آسیا وجود دارد، سیکا ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارا می‌باشد. به عنوان نمونه سیکا تنها محفلی است که کل آسیا را پوشش می‌دهد. امروزه سیکا دارای ۲۲ عضو است که نزدیک به ۹۰ درصد مساحت و جمعیت آسیا را دربرمی‌گیرد. عضویت در سیکا از ترکیه در غرب به جمهوری کره در شرق امتداد دارد و کشورهای اروآسیا،

خاورمیانه، جنوب شرق و شرق آسیا را شامل می‌شود. هدف سیکا نیل به هدف اصلی خود برای تقویت همکاری برای ارتقای صلح، امنیت و ثبات در آسیا از طریق اجرای اقدامات اعتمادساز است. با گذر از مفاهیم سنتی، امنیت در قرن ۲۱ از مجموعه‌ای از مسائل مختلف و پاسخگویی به نگرانی‌های گوناگون می‌باشد. مفهوم امنیت جامع درسند آلمانی^۱ و نیز اساسنامه سیکا زمینه همکاری همه جانبه اعضا را فراهم آورده است. این همکاری‌ها عبارتند از:

۱. بعد سیاسی- نظامی

۲. مبارزه با چالش‌های جدید نظیر تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جنایات فرامرزی، قاچاق انسان و امثال آن

۳. بعد اقتصادی

۴. محیط زیست

۵. قاچاق انسان

برای نخستین بار در تاریخ، سیکا ریاست چرخشی خواهد داشت. قزاقستان از زمان اجلاس نخست سران در سال ۲۰۰۲ با موفقیت ریاست سیکا را به عهده داشته است. در ماه جاری، اعضا با اجماع ریاست ترکیه را مورد تأیید قرار دادند. آنکارا از اواسط سال ۲۰۱۰ ریاست سازمان را به عهده خواهد گرفت.

در عصر کنونی دلیلی بر رقابت گروه‌های گوناگون آسیائی نیست. به عبارت دیگر ما می‌بایستی برای نیل به اهداف مشترک، اقدامات یکدیگر را از طریق همکاری فعالانه تکمیل کنیم. تا کنون اقدام جدی برای تقویت همکاری‌ها میان گروه‌ها و زیرگروه‌های منطقه‌ای آسیائی صورت نگرفته است. مناسب است یک شبکه کارا برای همه سازمان‌های چندجانبه آسیائی داشته باشیم. در درجه نخست این امر به یکپارچه کردن سازمان‌های ذیربط

کمک می‌کند. ثانیاً اگر امکان چنین اقدامی فراهم باشد، می‌تواند به تسهیل جریان دانش، اطلاعات و تجربیات موفق از جمله در زمینه اجتماعی- اقتصادی کمک کند. لذا در زمان و انرژی صرفه‌جویی خواهد شد. ثالثاً یک هم‌افزائی (synergy) ایجاد و دستاوردهای قابل لمس را بدست خواهد آورد.

سپس دبیرکل سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه^۲ اظهار داشت: زمانی که جنگ سرد پایان یافت ترکیه با هدف بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت منطقه، یک ابتکار منطقه‌ای را برای کمک به تغییر در اقتصادهای متمرکز عصر شوروی و گردآوردن آنان در اقتصاد جهانی آغاز نمود. با این نگاه و به هدف تحکیم صلح و ثبات در منطقه سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه در سال ۱۹۹۲ آغاز بکار کرد.

این سازمان امروز بزرگترین سازمان دربرگیرنده کشورهای منطقه دریای سیاه و نهادینه‌ترین محفل در این منطقه است. این سازمان کمک کننده مهمی به صلح و ثبات در منطقه است. با توجه به نگاه جامع و پروژه‌های عملگرایانه، سازمان کشورهای ورای منطقه دریای سیاه را به هدف اعتماد سازی و همکاری سازنده دور هم جمع کرده است. امروز سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه مساحتی در حدود بیست میلیون کیلومترمربع و سیصد و سی میلیون جمعیت را دربرمی‌گیرد که ظرفیت عظیمی است. البته موفقیت سازمان به اجرای کارا و منسجم پروژه‌های مشترک بستگی خواهد داشت.

در این چارچوب، مایلیم به دو پروژه دارای اهمیت برای کشورهای منطقه دریای سیاه و منطقه اوراسیا تأکید کنم. این پروژه‌ها عبارتند از پروژه اتوبان دریای سیاه و

2. Organization of the Black Sea Economic Cooperation

1. Almaty Act

پروژه توسعه راه‌های دریائی در منطقه دریای سیاه. این دو پروژه در راستای توسعه حمل و نقل منطقه می‌باشد و انتظار می‌رود در تقویت تجاری، توریسم، سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنائی حمل و نقل و شکوفائی اقتصادی منطقه مؤثر افتد. پروژه اتوبان دریای سیاه یک اتوبان چهار بانده بوده با طول تقریبی ۷۱۰۰ کیلومتر و کشورهای عضو سازمان را به یکدیگر متصل خواهد کرد. پروژه راه‌های دریائی برای تقویت ارتباط دریای میان بندرهای کشورهای عضو می‌باشد.

در کنار حمل و نقل، تجارت ظرفیت دیگر منطقه برای برقراری همکاری اقتصادی است. در طول سال‌های گذشته، رشد متوسط تولید ناخالص ملی منطقه ۶/۲ درصد بوده است. با این حال و به‌رغم توسعه نسبی، تجارت و سرمایه‌گذاری در منطقه سازمان اقتصادی دریای سیاه در سطح مورد انتظار نیست.

در ادامه دبیرکل سازمان همکاری شانگهای اظهار داشت: تکامل تدریجی سازمان پس از ۸ سال از تأسیس آن نمونه مثبت و پویای یک روند است. اعضای سازمان همکاری شانگهای مصمم هستند تا به عنوان همسایگان و دوستان نزدیک، مزیت‌های نسبی خود را به منافع مشترک بدل نمایند. از روز نخست، رویکرد ما به امنیت و همکاری براساس اعتماد متقابل و مساوات بوده است. این موضوع با توجه به اختلافات سیاسی و وزن اقتصادی اعضا کار ساده‌ای نبود. قابل درک است که روسیه و چین به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، مسؤلیت منحصر به فردی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عهده دارند.

به دلایل عینی، اهمیت آسیای مرکزی در تأمین انرژی، غذا و امنیت حمل و نقل در حال افزایش است که ظرفیت مذاکراتی آنها را تقویت می‌کند. آنچه ما را متحد

می‌کند درک مشترک از طبیعت تهدیدات و خطرات مشترک و فلسفه مشترک نیل به رویکردهای حل و فصل معضلات براساس احترام به منافع یکدیگر می‌باشد. اولویت‌های ما عبارتند از:

الف) حفاظت از حسن همجواری

ب) جستجو برای راه‌حل‌های مصالحه جویانه

ج) اعتقاد راسخ به اینکه اختلافات، مناقشات، تضادها و درگیری‌ها می‌توانند و می‌بایستی از طریق بنیاد مستحکم گفتگو، مشورت و کمک مشترک مرتفع گردد.

این اولویت فقط در اسناد ذی‌ربط منعکس نشده است، بلکه آنها در تعامل کار روزانه ما نیز ساری و جاری است. کشورهای کوچک و بزرگ در تصمیم‌گیری‌ها از حقوق مساوی برخوردارند. من در طول تجربیات خود به عنوان دبیرکل، یک مورد سراغ ندارم که نظر یک عضو نادیده گرفته شود و یا برعکس توجه خاصی به آنها به خاطر وزن سیاسی و اقتصادی و یا فقدان آن، مبذول گردد.

برنامه‌ریزی فشرده‌ای برای برگزاری نهمین نشست شورای سران سازمان همکاری شانگهای در حال تدارک است که در دو هفته آینده در شهر اکاتیرنبورگ^۱ صورت خواهد پذیرفت. براساس منشور سازمان همکاری شانگهای، شورای سران بالاترین مقام تصمیم‌گیری می‌باشد که مهمترین مسائل توسعه سازمانی و نیز ارزیابی مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی را به عهده دارد. معمولاً این ارزیابی مشترک در بیانیه‌های اجلاس سران منعکس می‌گردد.

از دیدگاه سازمان همکاری شانگهای، میزان و گستردگی تروریسم، جدائی طلبی و افراط‌گرایی در حال نزول نیست و این یک حقیقت تلخ است. به همین خاطر

1. Ekattirrenburg

حوزه امنیت یک اولویت درجه یک به شمار می‌رود. ارگان اصلی برای هماهنگی‌های امنیتی دبیرخانه سازمان همکاری شانگهای در پکن و ساختار منطقه‌ای آن در تاشکند، پایتخت ازبکستان می‌باشد. همکاری در این زمینه در آینده افزایش خواهد یافت. ما مشکلی برای گردهم‌آئی اعضا در این زمینه نداریم، چراکه همه شش عضو سازمان ملتزم به تضمین این امر هستند که

تروریست‌ها و افراط‌گرایان نباید وضعیت را در منطقه بی‌ثبات سازند. در درون سازمان همکاری شانگهای ما همواره تأکید داریم که تروریسم ارتباطی به ادیان و مذاهب ندارند. مبارزه علیه تروریسم جهانی نیز نباید به برخورد خصمانه علیه اعتقادات دینی و به ویژه اسلام‌ستیزی تبدیل گردد.

جلال کلانتری

مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه